روزنامه شرق

گزارش میدانی «شرق» از شهر مقاومت؛ «کوبانی»

یک‌سال‌ونیم پس از آزادی

افشین غلامی

بوی خون می‌دهد، اما نه، این‌گونه نباید گفت، اینجا عطر ایستادگی به مشام می‌رسد. عطری که هر لحظه یاد و خاطره افرادی را تداعی می‌کند که در برابر تاریکی، با صفی از روشنی، تاریکی را تا عمق حافظه تاریخ پس زدند. اینجا ساعت به وقت صفر می‌ایستد و در برابر عظمت مردمانش با احترامی نظامی، ثانیه‌ها را نظاره‌گر حماسه‌ای سترگ می‌کند. اینجا باید ایستاد و گفت می‌توان جنگید و زنده ماند! بله اینجا کوبانی است. از هر کوچه‌ای که می‌گذرید احساس می‌کنید خون دختر یا پسری در کف آن، فریاد مقاومت زندگی را سر می‌دهد. انگار نه انگار تا یک‌سال‌واندی پیش، نبردی سرنوشت‌ساز و تاریخی در جریان بود تا معمای شکست‌ناپذیری داعش را براندازد و آغازی شود بر افول این غده سرطانی رشدکرده در بطن سرزمین‌های رنج‌دیده سوریه و عراق.

برداشت اول، ویرانی

در نگاه اول چیزی که از شهر کوبانی در ذهن تداعی می‌شود، خرابی‌ها و ساختمان‌های ویرانه‌ای است که بر اثر انفجار گلوله‌های موشک و خمپاره، ویران شده‌اند. بسیاری از ساختمان‌ها یا ویران شده‌اند یا رنگ و روی جنگ و تیر و ترکش‌ها بر آنها هویداست. روی دیوار برخی از خانه‌ها، سوراخ‌های ریز و درشتی به وجود آمده که به گفته یکی از نیروهای نظامی مستقر در آنجا، محل تیراندازی به سمت طرف مقابل بوده که یا از سوی نیروهای کُرد کنده شده یا داعش آنها را به وجود آورده. وقتی به در و دیوار محله‌های شمالی شهر نگاه می‌کنید، کوچه‌هایی مشاهده می‌شود که آثار جنگ کمتر بر رخسارشان دیده می‌شود و خانه‌ها به همان شکل خود باقی مانده‌اند، اما تعداد آنها زیاد نیست. تقریبا محله‌هایی که در حاشیه شمالی شهر قرار گرفته‌اند، کمتر آسیب دیده‌اند، اما محله‌های غربی به تلی از خاک تبدیل شده‌اند. هنگامی که از محله «مناز» که روبه‌روی «تپه مشته نور» است، نگاهی به محوطه میدان وسط شهر که مجسمه فرشته زن بالدار در آن گذاشته شده می‌اندازید، شهر بین دو تپه محاصره شده و در گردوغبار حاصل از آمد و رفت ماشین‌ها، فرومی‌رود. مردم اینجا شبانه‌روز در حال بازسازی آنچه نیروهای تاریکی ویران کرده بودند، هستند. با تلاشی وصف‌ناپذیر می‌سازند و انگار استقامتی در پس نگاهشان فریاد می‌زند که شهر را دوباره بهتر از قبل خواهند ساخت.

برداشت دوم، استقامت

هنوز صدای روزنامه‌نگار انگلیسی که در رستوران نزدیک به مرکز شهر مشغول خوردن غذا بود، در گوشم طنین‌انداز است که به من می‌گفت: خصوصیت اصلی مردم کوبانی وابستگی عجیب‌شان به خاکشان است. او به گفته خودش، یک بار دیگر هم پس از جنگ به اینجا آمده بود. آری، بسیاری از مردم به شهر بازگشته‌اند و با وجود اینکه در بسیاری از نقاط خطوط خدمات‌رسانی آب و برق به کلی از بین رفته، اما حتی در مخروبه‌ترین ساختمان‌های کوبانی، مردم سکنی گزیده‌اند تا شهر را از نو بنا کنند. برخی می‌گویند اینک وضعیت کوبانی بهتر از روزهای اول است و شهر که تلی از آوار و خرابه‌های درهم بود، امروز به همت مردم و مسئولان کانتون کوبانی در حال بازسازی است. کوبانی ۱۴ محله دارد که بیشتر آنان تخریب شده‌اند و ساکنانش در حال بازسازی و مرمت آنها هستند. از هر کجا صدای دستگاه‌های مکانیکی که در حال کندن یا خاک‌برداری هستند به گوش می‌رسد.

برداشت سوم، نگاهی به نبرد کوبانی

شهر کوبانی تا پیش از اعلام خودمدیریتی از سوی نیروهای کُرد، جزئی از استان حلب واقع در شمال سوریه محسوب می‌شد. درباره وضعیت جمعیتی، آمار چندان دقیقی در دست نیست، اما براساس سرشماری که سال ۲۰۰۴ از سوی دولت انجام گرفته است، جمعیت این شهر ۵۲،۱۱۵ نفر تخمین زده می‌شود. کوبانی در نزدیکی محدوده مرزی با ترکیه واقع شده است. این شهر تا مرز ترکیه کمتر از دو کیلومتر فاصله دارد. «مشته‌نور» در شرق و «تل‌شعیر» در غرب شهر کوبانی واقع شده، شمال شهر کوبانی نقطه صفر مرزی با کشور ترکیه است و از جنوب هم به «رقه» وصل می‌شود و شهر کردنشین سوروچ در ترکیه، در فاصله ۱۵کیلومتری کوبانی واقع شده است. اوایل سال ۲۰۱۴ درگیری بین شبه‌نظامیان داعش و «یگان‌های مدافع خلق» که مسئولیت دفاع از شهر را بر عهده داشتند، آغاز شد و داعش توانست تا حاشیه شرقی شهر کوبانی پیشروی کند. در تاریخ شش اکتبر ۲۰۱۴ میلادی، شبه‌نظامیان داعش که از سه جبهه به کوبانی حمله کرده بودند، توانستند دیوار دفاعی شهر را بشکنند و از طرف شرقی وارد کوبانی شوند و پرچم خود را بر فراز چند ساختمان مرتفع به اهتزاز درآوردند. با وجود این، یگان‌های مدافع خلق در کوچه‌ها و خیابان‌ها و در پناه ساختمان‌ها همچنان از شهر دفاع می‌کردند. نیروهای داعش بعد از یک هفته درگیری شهری، در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۱۴ موفق به کنترل بخش اعظم شهر شامل تپه استراتژیک «مشته نور» و مربع امنی شدند و اکثریت شهر غیر از گذرگاه «مرشد پینار» مرزی ترکیه را کنترل کردند. مبارزان دختر و پسر نیروهای مدافع خلق با غیرت مثال‌زدنی توانستند ایستادگی کنند تا ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا دریابد که نیروهای کُرد با اراده پولادین قادر خواهند بود در صورت وجود تجهیزات داعش را شکست دهند؛ بنابراین با ورود به معرکه و حملات سنگین نیروهای ائتلاف در چند روز توازن قوا به نفع نیروهای کرد بازگشت. در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۴ میلادی، ۱۵۰ نفر از نیروهای پیشمرگه جنوب کردستان مجهز به سلاح سنگین از طریق خاک شمال کردستان وارد شهر شدند تا بتوانند با سلاح‌های ضدتانک، هم وزنی بین یگان‌های مدافع خلق و نیروهای داعش ایجاد کنند و هم شهر کوبانی را آزاد کنند.

برداشت چهارم، آبادانی

اما امروز با وصف خرابی‌ها، خودمدیریتی کانتون کوبانی به وسیله کمک‌های مردمی و کمک‌هایی که از بیرون از مرزها به شهر می‌رسد، پروژه آبادسازی و ساخت‌وساز را با جدیت پیگیری می‌کند؛ به‌نحوی‌که در هر محله دستگاه‌ها و ماشین‌آلاتی که مخصوص کارهای ساخت‌وساز هستند، به چشم می‌خورد. پس از رفتن نیروهای دولتی از کوبانی و تا قبل از نبرد کوبانی، به این دلیل که مناطقی که برق و آب را به شهر می‌رساند، به تصرف نیروهای اپوزیسیون درآمده بود، برق قطع می‌شد. بعد از نبرد کوبانی و پس از کنترل سد «تشرین» و منطقه «سرین» و رسیدن به رودخانه فرات به‌وسیله نیروهای کُرد، اینک جریان برق و آب به صورت پیوسته در شبکه‌ها جریان دارد و به جز محله‌هایی که سیستم آبرسانی و برق‌رسانی آنها از بین رفته، بقیه شهر دارای نعمت آب و برق است و پاره‌ای از اوقات در هنگام خاموشی و قطع برق، شهروندان از موتورها و ترانس‌های گازوئیلی استفاده می‌کنند. بازار شهر به راه افتاده و بسیاری از اجناس در آن پیدا می‌شود. میوه و سبزیجات هم در دسترس است و مردم کوبانی برخی از صیفی‌جات مانند گوجه‌فرنگی و خیار را بیشتر از همه دوست دارند.به شهرداری کوبانی سری می‌زنیم. «چومان»، مهندس پروژه‌های عمرانی بخشی از محله‌های شهر، می‌گوید: سرعت آبادان‌کردن شهر مناسب است؛ اما متأسفانه بودجه کمی در اختیار ماست و از طرف دیگر مرزها برای ورود وسایل و تجهیزات و مصالح ساختمانی بسته شده و ترکیه نمی‌گذارد چیزی وارد کوبانی شود. وی ادامه می‌دهد، ما مجبوریم برای تهیه تجهیزات، از مناطق مرکزی سوریه مصالح وارد کنیم که این علاوه بر هزینه، با سختی‌های خاص خود همراه است. این مهندس معمار تصریح می‌کند: برخی از روستاهای اطراف هم با مشکل ویرانی روبه‌رو هستند که ما ناچاریم پلان و پروژه‌هایمان را در آنجا نیز پیگیری کنیم.

برداشت پنجم، مردم

«نازی حسن»، پیرزن ۷۰ ساله‌ای است که در کنار درِ خانه‌اش نشسته و با حسرت مشغول نظاره خانه‌های اطراف است. از او درباره وضعیت امروز کوبانی می‌پرسم: می‌گوید من نسل در نسل اینجا بوده‌ام و هیچ‌گاه کوبانی را تنها نمی‌گذارم، حتی اگر با خاک هم یکسان شود. کوبانی سرزمین من است. «عمو رمضان»، کارگر شهرداری است: می‌گوید اینجا ویرانه‌ای شده بود که الان رفته‌رفته در حال بازسازی است؛ وقتی آمدیم نه آب بود و نه برق. از طرف خودمدیریتی کانتون بعد از امن‌سازی شهر از مین و مواد منفجره، به ما گفته شد شروع به نظافت شهر کنیم. او درباره استقامت مردم گفت: داعش با تمام توان هجوم آورد؛ اما نتوانست مقاومت زنان و مردان ما را بشکند. ملت ما ملت مقاومی است که در برابر متجاوز هیچ‌گاه تسلیم نمی‌شود. «مسلم»، کارگر دیگر شهرداری، این‌گونه می‌گوید: درحال‌حاضر ۴۰هزار لیره به ما حقوق می‌دهند؛ تا پیش از حمله داعش، ۳۰هزار دریافت می‌کردم ولی باز هم با ۹ سر عائله این حقوق کفاف زندگی‌ام را نمی‌دهد. «ادریس»، از دیگر کارگران شهرداری که در آنجا حضور دارد، تاکید می‌کند: قرار است حقوقمان به ۵۰ هزار لیره افزایش یابد. اگر برخی مایحتاج مانند روغن، برنج و... را به ما برسانند، این حقوق می‌تواند کفاف زندگی‌مان را بدهد. «محمد» از دیگر کارگران حاضر در آنجا، می‌گوید: اکثر افراد خانواده‌ام شهید شده‌اند. برخی می‌گویند تو از خانواده شهیدی، چرا کارگری می‌کنی؛ به آنها می‌گویم، در شهر خودم کارگری کنم بهتر از آن است به ترکیه بروم و در آنجا مشغول به کار شوم. «ولات» که نقاش ساختمان است، درباره بازسازی شهر توضیح می‌دهد: ما به شوق آبادکردن شهرمان بازگشته‌ایم. درست است که اینجا ویران شده؛ اما ما جایی را نداریم برویم چراکه ساختن و آبادکردن بهتر از مهاجرت و دربه‌دری است. او می‌گوید: سعی می‌کند از مردم کمتر دستمزد بگیرد تا شهر را از نو بنا کنند. «ریاز» به همراه دخترش در حال پیاده‌روی است. آنها هر دو عضو جنبش جامعه دموکراتیک هستند. او با خوشحالی از شکست داعش در کوبانی، این‌گونه بیان می‌کند: بسیار خوشحالم شهر به دست داعش نیفتاد. ما توانستیم افسانه شکست‌ناپذیری داعش را درهم بشکنیم. درحال‌حاضر امکانات محدودی داریم و مایحتاجمان کم است و بسیاری از وسایل به دستمان نمی‌رسد؛ اما مشخصا باید تحمل کنیم؛ این از آواره‌شدن بهتر است. در ساختمانی در نزدیکی‌های محله منتهی به «مشته نور»، چند نفر مشغول به کارند. حسین مشغول بنایی است، از او پرسیدم خانه متعلق به کیست، پاسخ داد: خانه متعلق به خودم است و در حال بازسازی آن هستم؛ وقتی بعد از خروج داعش به اینجا آمدیم، چیزی از ساختمان نمانده بود و تنها دیواری از کل ساختمان باقی مانده بود. به کمک خانواده و دوستان دست‌به‌دست هم دادیم و الان چیزی به اتمام ساختمان نمانده است.

> **وقتی به در و دیوار محله‌های شمالی شهر نگاه می‌کنید کوچه‌هایی مشاهده می‌شود که آثار جنگ کمتر بر رخسارشان دیده می‌شود و خانه‌ها به همان شکل خود باقی مانده‌اند اما تعداد آنها زیاد نیست. تقریبا محله‌هایی که در حاشیه شمالی شهر قرار گرفته‌اند، کمتر آسیب دیده‌اند، اما محله‌های غربی به تلی از خاک تبدیل شده‌اند**

برداشت ششم، فضای شهری

از کنار برخی ساختمان‌ها که می‌گذرید، بوی نامطبوعی به مشام می‌رسد. از پسر جوانی که در کنار مغازه خود نشسته و در حال صحبت با مشتری‌اش بود، دلیلش را پرسیدم، جواب داد: هنوز جنازه‌های زیادی زیر آوارها باقی مانده که به دلیل شدت خرابی، تاکنون نتوانسته‌ایم این ساختمان‌ها را تمیز کنیم. از هر کوچه و خیابانی که می‌گذرید عکسی از شهدایِ نبرد کوبانی به درودیوار آویزان است. در واپسین لحظه‌های ناامیدی، مبارزان کُرد کوبانی تنها محله‌های شمال غربی شهر برایشان باقی مانده بود. در این قسمت شهر نبرد سرنوشت‌سازی رقم می‌خورد و به گفته «آگید» از آخرین نیروهای بازمانده در مقاومت کوبانی با کمترین نیرو و امکانات تا آخرین گلوله‌هایشان جنگیدند. در یکی از محله‌ها به سراغ مطب پزشک «ابراهام قره گولیا» رفتیم. او با خوشحالی از حضور ما گفت: تا سالیان قبل چندین خانواده ارمنی در کوبانی زندگی می‌کردند اما حالا تنها من و خانواده پزشک دیگر ارمنی که او هم در کوبانی است، باقی مانده‌ایم. از او دلیل ماندنش در کوبانی را جویا شدم که پاسخ داد: کوبانی خانه من است و کُردستان تنها جایی است که می‌توانم در آن زندگی کنم. مردم در حال زندگی روزانه خودشان هستند. مرزهای بین سوریه و ترکیه بسته شده و این از لحاظ اقتصادی موجب گران‌شدن برخی از کالاها شده است. نرخ بعضی از کالاها تغییر می‌کند؛ اما به گفته یکی از مسئولان کانتون کوبانی، قیمت نان به هیچ صورت دستخوش تغییر نخواهد شد، چراکه قوت غالب مردم نان است و مدیریت کانتون سعی می‌کند قیمت نان را ثابت نگه دارد. همچنین قیمت مولدهایِ انرژی مانند نفت، گازوئیل و بنزین هم تقریبا نرخ ثابتی است و به این دلیل که کُردها نمی‌توانند نفت را صادر کنند، تلاش می‌کنند در پالایشگاه‌های خود بنزین داخلی تهیه کنند. به‌همین‌دلیل معمولا قیمت بنزین در اینجا بدون تغییر مانده است، البته بنزین خارجی هم در پمپ بنزین‌ها پیدا می‌شود اما قیمت آن متفاوت با بنزین داخلی است.

برداشت هفتم، سیستم سیاسی

در کُردستان سوریه مدل تازه‌ای از حکومت‌داری شکل گرفته که به کانتون معروف است. سه کانتون تشکیل شده است. این سه کانتون عبارت‌اند از جزیره، کوبانی و عفرین. تا قبل از سال ۲۰۱۵، این سه کانتون از لحاظ جغرافیایی از هم بریده بودند اما در اواخر سال ۲۰۱۵ منطقه «گری سپی» که حدفاصل کانتون جزیره و کانتون کوبانی است به کنترل نیروهای کُرد درآمد و این دو منطقه به هم وصل شدند. بعد از اعلام سیستم فدرالیسم در ماه اسفند سال گذشته توسط مجلس مدیریت کانتون‌ها، آنها سیستم خود را فدرالیسم دموکراتیک نامیدند که رئوس این سیستم به‌ترتیب عبارت است از خودمدیریت دموکراتیک، کانتون، مجالس کانتون، خانه مردم و کمون‌ها. به گفته «عایشه اَفندی» رئیس مشترک جنبش جوامع دموکراتیک و همسر «صالح مسلم »، در سیستم این مناطق تصمیم‌گیری‌ها از پایین به بالا شکل می‌گیرد و این مردم هستند که درباره مسائل مختلف خود اظهارنظر می‌کنند. او می‌گوید در هر محله نهادهایی به نام کمون‌ها برپا می‌شود. کمون‌ها برای خود کمیته‌هایی تشکیل می‌دهند که مسائل اجتماعی و مدیریتی کمون‌ها در محله‌ها ازسوی آنها اداره می‌شود. نمایندگان کمون‌ها در محل دیگری به نام «خانه مردم» جمع می‌شوند و به تحلیل مسائل مربوط به کمون‌ها می‌پردازند. نماینده‌های خانه‌های مردم در مجلس کانتون حضور می‌یابند و نمایندگان کانتون‌ها در خودمدیریتی دموکراتیک شرکت می‌کنند.

برداشت هشتم، صنعت و پیشه در کوبانی

به یکی از خانه‌های مردم در کوبانی رفتیم. ساختمانی دوطبقه با چندین اتاق بود. در آنجا چند مرد میان‌سال و پیر در حال گفت‌وگو بودند، از آنها دلیل آمدن‌شان به خانه مردم را پرسیدم، یکی از آنها گفت: ما آرایشگریم و برای نشست و جلسه به اینجا آمده‌ایم. او افزود: در اینجا درباره مشکلات و مسائل مربوط به شغل آرایشگری به بحث پرداخته می‌شود و با هم‌فکری سعی می‌کنیم مشکلات صنفی‌مان را حل کنیم. در اتاق دیگر زن پیر و دختر جوانی در حال گفت‌وگو با کارمند خانه مردم بودند. گویا مشکلی خانوادگی برایشان پیش آمده که به اینجا رجوع کرده‌اند تا بتوانند راهی برایش پیدا کنند. از خیابان‌ها که می‌گذرید، تعمیرگاه‌ها و مشاغل فنی زیادی به چشم می‌خورد، گویا مردم اینجا به صنعت توجه شایانی دارند؛ اما آنچه مشخص است هیچ‌گونه کارخانه یا صنعت مادری در ناحیه کوبانی به چشم نمی‌خورد و به‌جز سیلوی گندم که در فاصله ۷۰کیلومتری در سه‌راهی رقه و حلب و کوبانی وجود دارد، هیچ نوع صنعت سنگینی مشاهده نمی‌شود. مردم اینجا علاوه بر کشاورزی مشغول باغداری و دامپروری هستند و بیشتر مایحتاج آنها از این راه تأمین می‌شود.

برداشت آخر، اهمیت کوبانی

کوبانی در موقعیت سوق‌الجیشی قرار دارد و علاوه بر اینکه دارای دروازه مرزی است، نقطه وصل حدود ۳۰۰ روستای منطقه به یکدیگر است. این شهر به لحاظ دموگرافی با جمعیتی ۹۵ درصدی از شهروندان کُرد، پایگاه مهمی برای کُردهای سوریه محسوب می‌شود. همچنین نزدیکی به حلب و منطقه منبج و شهر رقه به‌عنوان مرکز تجمع داعش، کوبانی را از لحاظ استراتژیک به یک نقطه حساس تبدیل کرده است.

یادداشت

دوستی اسرائیل با اعراب

اسرائیل و عربستان سعودی درحال‌حاضر روابط دیپلماتیک رسمی با یکدیگر ندارند؛ عربستانی‌ها حتی این رژیم را به رسمیت نشناخته‌اند، اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد روابط میان عربستان و دیگر کشورهای عربی با این رژیم نه‌فقط رو به بهبود است، بلکه در حال توسعه به سمت ایجاد یک ائتلاف صریح‌تر در نتیجه تقابل آنها با ایران است. اگرچه روابط میان کشورهای عربی با اسرائیل می‌تواند تأثیراتی بر خاورمیانه پرآشوب داشته باشد، اما در نهایت شاید موجب شود فلسطینی‌ها از غافله عقب بمانند و این یک دورنمای نگران‌کننده است.

مورد اخیری که در راستای این بهبود روابط مشاهد شده، سفر ماه گذشته میلادی یک هیأت عربستان به رهبری ژنرال بازنشسته «انور عشقی» به اسرائیل بود که در جریان آن مذاکراتی با دوری گولد، مدیرکل وزارت خارجه اسرائیل، صورت گرفت.

این نشست به این دلیل قابل‌توجه بود که به طور علنی تأیید شد.

براساس گزارش‌ها، ژنرال عشقی و دوری گلد ظاهرا در سال ۲۰۱۴ شروع به ارتباطاتی محرمانه کردند و سال گذشته میلادی هنگامی که آنها در یک برنامه در واشنگتن به همراه هم ظاهر شدند، این مسئله علنی شد.

دشوار است بگوییم خاندان سلطنتی عربستان چطور و از طریق چه کسی حرف‌هایش را می‌زند و برخی تحلیلگران معتقدند ژنرال عشقی شاید یک مخاطب جدی نباشد.

اما سفر او به اراضی اشغالی که شامل دیداری با نمایندگان پارلمان اسرائیل بود، حاکی از رویکرد باز جدید عربستان برای آن‌که واکنش عمومی به ارتباطات علنی با اسرائیل را بسنجد، بوده است. درعین‌حال، عربستان به شکل چشمگیری یک کمپین رسانه‌ای را در این کشور آغاز کرده که ظاهرا هدفش آماده‌کردن شهروندان برای روابط بهتر با اسرائیل است.

در سفر مقامات به اراضی اشغالی این هدف اعلام شده که آنان می‌خواهند از صلح میان اسرائیل و فلسطینی‌ها حمایت شود؛ برای مثال، ژنرال عشقی از احیای ابتکار عمل طرح صلح عربی سال ۲۰۰۲ صحبت کرد؛ ابتکار عملی که براساس آن قرار بود اسرائیل طبق توافقی برای پایان‌دادن به درگیری با فلسطینی‌ها روابطی عادی با کشورهای عضو اتحادیه عرب داشته باشد.

نه اسرائیلی‌ها و نه فلسطینی‌ها علاقه‌ای به مذاکرات جدی صلح با یکدیگر نشان نمی‌دهند. همچنین دلایلی وجود دارد که موجب می‌شود در اینکه فلسطینی‌ها تمرکز اصلی کشورهای عربی باشند، تردید کنیم.

نتانیاهو تصریح کرده بهبود روابط با کشورهای عربی در درجه‌اول را ترجیح می‌دهد و گفته اسرائیل پس از آن در موضع قدرتمندتری برای صلح با فلسطینی‌ها در زمان‌های بعد قرار خواهد گرفت.

البته بهبود روابط میان اسرائیل و کشورهای عربی مانعی برای توافق صلح با فلسطینی‌ها نیست، اما خطر این است که این طرف‌ها در نهایت ارزش بیشتری را در ترمیم روابط یافته و همان‌جا متوقف شوند و پس از آن گلایه‌های فلسطینی‌ها که چند دهه است عامل تنش‌های منطقه‌ای بوده، همچنان فراموش شود.

منبع: نیویورک‌تایمز

نگاه

افول اروپا در فقدان رهبران کاریزماتیک

اردشیر زارعی‌قنواتی: کشورهای اروپایی و اصولا تمدن غرب فراتر از شکست برنامه‌های نئولیبرالی، امروز با سه مشکل هم‌زمان و کاملا مرتبط با هم درگیر شده‌اند که چگونگی کنش - واکنش نسبت به هر کدام از این معضلات، تأثیر مستقیم بر دیگر وجوه مسئله نیز خواهد گذاشت. سه‌گانه پدیده مهاجرت، تروریسم بین‌المللی و تقویت راست افراطی در سطوح جامعه مدنی و ساختار سیاسی این جوامع، هم‌اکنون آن‌چنان بر این جوامع تأثیرگذار بوده‌اند که از یک طرف حوزه عمومی را دستخوش تغییر و آنارشی کرده و در عرصه سیاسی نیز نهادهای قدرت و احزاب را به سمت اتخاذ سیاست‌های متفاوتی رهنمون کرده که بعضا با دموکراتیزاسیون اروپایی، قوانین بنیادین مبتنی بر رعایت حقوق بشر، روند گلوبالیزاسیون، هم‌گرایی و ادغام فرهنگی در این ساختار مدعی دموکراسی، چندان همخوانی ندارد. از آنجا که ریشه این مشکلات یک ارتباط معناداری هم با کسب منافع ژئوپلیتیک و نوع دخالت جهان غرب در محیط‌های بحرانی خاورمیانه و شاخ‌آفریقا دارد، بالطبع انتقال بحران از «کلنی»ها به «متروپل»ها را هم موجب شده است. به‌همین‌دلیل تأثیر متقابل این انتقال بحران با همان مشکلات سه‌گانه چرخه معیوبی را در قاره سبز به حرکت درآورده است که خروج از آن به‌سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود.

۱ - پدیده مهاجرت: جابه‌جایی جمعیت‌های انسانی از یک محیط نابرخوردار به سمت محیط برخوردار، همواره یک خصوصیت بارز در زیست انسانی جوامع و تمدن‌های بشری بوده که از دوران «انسان شکارچی» تا به امروز ادامه داشته است. در گذشته بیشتر این مهاجرت‌ها در یک ریتم قابل کنترل و مدیریت‌شده انجام می‌شد و تقریبا جمعیت مهاجر در جوامع مهاجرپذیر سیکل ادغام را در چارچوب ثبات اجتماعی طی می‌کردند. در این دوران مهاجرت نه‌فقط مشکل حادی را برای این جوامع ایجاد نمی‌کرد که حتی به اذعان کارشناسان و سیاست‌مداران، موجب پویایی و رشد متوازن نیز می‌شدند. این سیکل با همه کاستی‌های خود که امروز با ورود به دوران آنارشی خود را نمایان می‌کنند، در گذشته مهاجران همواره در زیر هژمونی فرهنگ غالب ناچار به تمکین از ساختار موجود بوده‌اند. اما در سال‌های اخیر با بروز بحران‌های ادواری و بی‌ثباتی در جوامع مغلوب و ارتباط آن با دخالت هژمونی غربی بی‌ثباتی متفاوتی رقم خورده است. از طرف دیگر، به‌واسطه تشدید این بی‌ثباتی در جوامع آفریقایی و خاورمیانه، وسعت جمعیتی گروه مهاجران بسیار فراتر از ظرفیت پذیرش کنترل شده مهاجرت بوده و تغییراتی را در ترکیب دموگرافی جوامع غرب فراهم کرده است. از آنجا که این مهاجران بیشتر از درون جوامع در حال بحران و شرایط جنگی در شرایط غیرطبیعی و اجباری در حال جابه‌جایی و انتقال هستند، لاجرم بخشی از مشکلات و میراث خشونت خود را هم به جوامع پذیرنده منتقل می‌کنند.

۲ - تروریسم بین‌المللی: جهان در هیچ دوره از تاریخ خود با مشکلی به‌عنوان پدیده تروریسم بین‌المللی و سهولت انتقال آن از محیط بحران به محیط امن به صورت امروزین مواجهه نبوده است. ورود پدیده تروریسم بنیادگرای اسلامی به بطن جوامع اروپایی به‌ویژه به درون کشورها و جوامعی که از دموکراسی بازتری برخوردار بوده‌اند، هم‌اکنون این جوامع را با تصویر یک هیولای کریه‌المنظری روبه‌رو کرده است که هیچ‌کس از آسیب‌های آن در امان نخواهد بود. تروریسم جدید ریشه‌های خود را در ایدئولوژی خشونت مابین تمدنی آبیاری می‌کند و به‌همین‌دلیل برای آن، تعیین هدف و نوع اقدام تابع هیچ قانون و ضابطه انسانی نخواهد بود. از آنجا که پدیده جدید تروریسم جهادی تمرکز خود را بر استفاده از ضعیف‌ترین حلقه‌ها در ساختار سیاسی- اجتماعی این جوامع گذاشته و بیشترین تلفات حجمی را نشانه موفقیت در جهت هراس‌افکنی قرار داده است، بالطبع خیابان، سالن‌های اجتماعات، تجمعات انسانی و به‌طورکلی تهاجم به بیشترین افراد با کمترین پوشش امنیتی، از اهداف ایده‌آل تلقی می‌شود.

۳ - تشدید گرایش راست افراطی: ورود سیل‌آسای مهاجران شرقی و گسترش اقدامات تروریستی در جوامع اروپایی، بهترین زمینه را برای رشد و تقویت مهاجرستیزی و گرایشات راست افراطی فراهم کرده است. اروپا بعد از جنگ‌های ۳۰ساله و دو جنگ جهانی اول و دوم که متأثر از انباشت قدرت و لزوم دستیابی به حوزه‌های استعماری و بازارهای جدید برای کشورهای قدرتمند تلقی می‌شد، هرگز با گسترش پدیده نژادپرستی به صورت امروزی مواجه نبوده است. افول احزاب سوسیال‌دموکرات و راست میانه اروپایی در شرایط کنونی که این جریانات فکری راه‌حلی برای برون‌رفت از این بحران‌های گریبانگیر جامعه ارائه نمی‌دهند، به ناچار باید در دوسوی جریان، تقویت راست افراطی و چپ رادیکال را فراهم کند. اما از آنجا که مشکلات امروز اروپا حول تروریسم و مهاجرت تأمین‌کننده اهداف و توجیه‌کننده شعارهای راست افراطی است، متأسفانه هم‌اکنون فقط راست افراطی می‌تواند میداندار این سرزمین بدون مرز به حساب آید. بزرگ‌ترین اشتباه اتحادیه اروپایی که ناشی از اهداف و منافع نئولیبرالیستی حاکم بر این ساختار بیمار بوده است، در این بود که تمام تمرکز نهادهای اروپایی بر منکوب‌کردن گرایش چپ رادیکال به‌ویژه در کشورهایی مانند یونان، اسپانیا، پرتغال، قبرس و دیگر جوامع ضعیف این اتحادیه معطوف شد و نهادهای اتحادیه و کشورهای قدرتمندی مانند آلمان راه امید برای تعدیل و تجدیدنظر در سیاست‌های شکست‌خورده نئولیبرالی را بر توده‌های له‌شده اروپایی بستند. در چنین شرایطی راست افراطی که هم‌زمان با نارضایتی بخش بزرگی از توده‌های مردم از این سیاست‌ها، با استفاده از بهانه‌های ملموسی مانند خطر هجوم مهاجران و هراس از تروریسم اسلامی بر زیست اجتماعی اروپایی، توانسته است ریشه‌های خود را محکم کند، هم‌اکنون گام‌به‌گام در رؤیای تسخیر نهادهای قدرت است. سیر شتابنده استقبال افکار عمومی از احزاب راست افراطی در فرانسه، آلمان، ایتالیا، بریتانیا، اتریش، هلند، سوئد، مجارستان، دانمارک و نروژ زنگ خطری است که صدای گوشخراش آن کمتر از بمب تروریست‌ها و سیل مهاجران نخواهد بود. سقوط اعتبار اخلاقی احزاب راست میانه و سوسیال‌دموکرات اروپایی به ورطه همین مهاجرستیزی و اسلام‌هراسی به‌ویژه در کشوری مانند فرانسه که حتی نخست‌وزیر سوسیالیست آن «مانوئل والس» امروز با زیرپاگذاشتن اصول و قوانین پایه کشور و پرنسیب‌های حزبی، دعوای «بورکینی» زنان مسلمان را عمده می‌کند، گویای وضعیتی تأسف‌بار است که فعلا بسیاری در آن سقوط کرده‌اند. اروپای امروز به جای ریشه‌یابی و یافتن پاسخ درست برای مشکلات خود، فقط دارد وقت را هدر می‌دهد و این دقیقا همان چیزی است که تروریست‌ها و راست‌گرایان می‌خواهند.